



# امروز ما

ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان

۱۱ جمادی الاول ۱۴۱۸ هـ ق

۱۴ سپتمبر ۱۹۹۷ م

یکشنبه ۲۳ سنبله ۱۳۷۶ هـ ش

شماره هفتاد و دوم



**پیام استاد محمد کریم خیل و رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان خطاب به مردم پاکستان و شمال کشور**

بسم الله الرحمن الرحيم  
اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم  
لقدیر (قرآن کریم)  
قوماندانان دلیر و جان پر کف، مجاهدین عزیز و  
مردم قهرمان شمال کشور و شهریان غیور شهر مزار  
شریف!  
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.  
تاریخ نهضت آزادیخواهی و عدالتخواهی کشور  
مجاهدتهای پر افتخار و غرور انگیز تان  
ص ۷

## تهاجم طالبان بر مزار شریف پس از سه روز مقاومت خونین درهم شکست

صدها جنازه طالبان در میدان نبرد باقی مانده و صدها عراده وسایط نقلیه و جنگی به غنیمت گرفته شد.

### شهر تاشقرغان در آستانه سقوط قرار گرفته است

روز سه شنبه هفته گذشته، نیروهای طالبان پس از تصرف تاشقرغان با همکاری برخی از قوماندانان محلی، تهاجم وحشیانه ایرا از استقامت شرق شهر مزار شریف برای تسخیر این شهر آغاز نمود. همزمان با آغاز این تهاجم، ملا عمر، رهبر طالبان به مردم مزار شریف اخطار داد که آنها یا باید به طالبان تسلیم شوند و یا با تهاجم وسیع طالبان روبرو گردند. در مقابل، مقام معظم رهبری حزب وحدت اسلامی طی صدور پیامی خطاب به مردم شمال، با تحجیل از مقاومت قبلی این مردم، آنها را به دفاع و مقاومت فرا خوانده و تاکید نمود که بزودی نیروهای کمکی از هزارستان به مزار شریف خواهد آمد. درست همزمان با تهاجم طالبان بر مزار شریف، پس از صدور پیام رهبری حزب وحدت اسلامی، تمامی قوماندانان

## جنايات تكان دهنده طالبان در مزار شريف

جنايات تكان دهنده طالبان در مزار شريف از ماهيت ضد بشري آنها پرده بر مي دارد. روح آدمي مي لرزد و وجدان او به ناله مي آيد، چطور انساني اينگونه وحشي مي شود كه هيچ معياري را تشناسد و بر زنان و اطفال نيز ابقا

ننمايد. كالبد كلمات از آنچه در قزل آباد، تصدى و قريه قل محمد، اتفاق افتاد، فرو مي شكند. در عقب آن دستي كه دراز شد و بر گلري اطفال و زنان و پير مردان بي گناه تيغ قساوت كشيد، چه روحي نهفته بود! آيا آن كردگاني كه

در زير تيغ اين جلادان دست و پا مي زدند، هيچ رحم و عاطفه انساني را در قلب آنها تحريك ننمود؟  
درست كه راکت هاي کور از دور مي آيد و جان هموطنان را مي گيرد، اما آندستي كه

## جنرال عبدالرشيد دوستم، رهبر قبلي جنبش ملي اسلامي، دوباره به مزار شريف برگشت

بعد از ظهر جمعه هفته گذشته، درست پس از آنكه نيروهاي طالبان، طعم تلخ شكست را چشيده و تا ۴۰ كيلومتری شهر مزار شريف عقب نشيني نمودند، جنرال عبدالرشيد دوستم، رهبر قبلي جنبش ملي اسلامي از کشور ترکیه به مزار شريف وارد گردید.



## به جنگ کسی نمی رویم و اگر کسی به جنگ ما بیاید مغز شان را پر از گلوله های گداخته خواهیم کرد

از تجربه تاریخ و قانون عدل خداوندی آموخته ایم که در حق خود قانع بوده و در پی افزون طلبی، خون انسانی را نیزیم. نه ظالم باشیم و نه مظلوم. همه کس را خدای، آزاد خلق نموده و برخوردار از حق حیات انسانی. بر خود اجازه نمی دهیم که پا روی قانون ۳

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

## جنگ یا برادری؟

ما صلح و برادری می خواهیم. اما طالبان جنگ و دشمنی! امروز هیچ کسی و هیچ گروهی به جز طالبان به جنگ نمی اندیشد. تقاضاهای صلح طلبانه از هر نقطه کشور بلند است. مردم از جنگ خسته شده اند و دیگر نمی توانند تاوان جنگی را که نه پایان دارد و نه نتیجه، بپردازند. گروههای مخالف طالبان از جمله حزب وحدت اسلامی نیز با اعلام آمادگی برای هر نوع مذاکره با طالبان، علاقمندی و حسن نیت خویش را در برابر این تقاضاهای انسانی نشان داده اند. این تنها طالبان اند که بر سیاست جنگی اصرار می ورزند. همه از صلح و مذاکره، دوستی و برادری سخن می گویند، اما طالبان همچنان بر جنگ و سلطه نظامی تاکید می ورزند. طالبان می گویند: مردم یا باید تسلیم شوند و یا باید برای تحمل هر نوع پیش آمدی، آماده شوند. تجاوزات و حملات مکرر طالبان بر شهرهای مختلف کشور از جمله مزار شریف و کشتن صدها نفر از اهالی پیداف و غیر نظامی از جمله قتل عام مردم بی گناه قزل آباد و قول محمد در شهر مزار شریف و همچنین آخرین فرمان ملا محمد عمر رهبر طالبان مبنی بر اینکه مردم مزار شریف باید به زودی خود را به نیروهای طالبان تسلیم نمایند، ورنه طالبان به شهر حمله خواهند کرد و آنگاه مسئولیت هرنوع پیش آمدی به عهده خود مردم خواهد بود، آن هم در

حضرت صاحب مجددی، مؤسس دولت اسلامی روز جمعه گذشته

## به سخنان نفاق افکنانه امام جماعت مسجد آبدره رود در

### پشاور اعتراض نمود

روز جمعه هفته گذشته، سخنان نفاق افکنانه امام جماعت مسجد آبدره رود، در پشاور پاکستان، با اعتراض شدید حضرت صاحب مجددی، مؤسس دولت اسلامی افغانستان روبرو گردیده، باعث انزجار غایز گذاران از گفته های امام جماعت گردید.

شاهد عینی که یکی از غایز گزاران می باشد، چنین گزارش داد: روز جمعه هفته گذشته، پس از ادای غایز جماعت جمعه، امام جماعت در دعای ختم چنین اظهار داشت که هم اکنون در افغانستان جنگ شیعه و سنی روان است. طالبان با این کافران، مصروف جنگ می باشند، شما دعا نمائید که خداوند طالبان را بر این کافران پیروز نماید. گزارش حاکمیت: با شنیدن این کلمات، غایز

در این شماره میخوانید

ص ۲ ساختار وحدت ملی

ص ۳ آخرین سخن با زبان اسلحه

ص ۴ دورویی طالبان و بی اعتمادی سیاسی

ص ۶ طالبان به تدریج پشتیبانی و حمایت ...

باز هم فقط یک راه وجود دارد که مردم خود شان به میدان بیایند و خود شان سرنوشت خود را تعیین کنند و سرنوشت خود را به دست اینها نگذارند که این همه با آبروی شان بازی کنند

از سخنرانی رهبر شهید در اولین سالگرد پیروزی مجاهدین



# ساختار وحدت ملی

ساختار و فرهنگ مشترک نیز در ساختار وحدت ملی و ایجاد وجدان و شعور جمعی نقش مهم و سازنده ای دارد. انسانها معمولاً علاقمند اند آنگونه که آنها می اندیشند، دیگران هم بیاندیشند، آنگونه که آنها عمل می کنند، دیگران هم عمل نمایند. رفتار، برخورد، منش، روش، آداب و سنن دیگران، همدان، همگون و هماهنگ با رفتار، برخورد، منش و روش آنها باشد. انسان نسبت به کسی که مانند او می اندیشد، مانند او برخورد می کند، روش و منشش مانند اوست، بیشتر احساس نزدیکی، قربت، و مهر می نماید.

اصولاً اگر در بین اعضای يك جامعه، فرهنگ مشترك حاکم نباشد، سنگ بنای ملت و پایه های وحدت ملی بر آب است. چه بسیار از ملت ها که بخاطر نداشتن فرهنگ مشترك ملی، رویه تفرقه و تجزیه نهادند و دیوارهای آهنین نیز نتوانست آن را از خطر چند پارچگی و چند دستگی مصون نگهدارد. کرملین هفتاد سال تلاش و وزید تا روح جمعی را در کالبد متفرق و پراکنده ایالات جماهیر شوروی آن هم در درون دیوارهای آهنین بدمد، ولی چون نتوانست فرهنگ مشترك ملی بوجود آورد، سرانجام پس از هفتاد سال، دیوار آهنین شکست و آن پیکره بزرگ با تقسیم شدن به قطعات ریز و کوچک متلاشی گردید. این، درست است که فرهنگ ملی، رسوم و سنن ملی، نتیجه و محصول فعالیت ارادی و آگاهانه انسانهای گذشته است و اگر از گذشته تا حال رابطه و پیوندی بین افراد و آحاد جامعه نبود، نه يك چنین سنی وجود می گرفت و نه با عبور از گذرگاه زمان، به نسل امروزی منتقل می گردید، پس در واقع سنتهای ملی نیز محصول ملت است، ولی این هم يك واقعیت است که اگر سنت های ملی شکل نگیرد و فرهنگ مشترك بر جامعه و ملت حاکم نگردد، وحدت ملی نیز پایدار نمی ماند. سنت های ملی در حقیقت سمبول وحدت ملی است. در واقع، رابطه بین سنن، رسوم، فرهنگ ملی و ملت دوجانبه است. ملت، فرهنگ ملی را می سازد و فرهنگ ملی ساختمان ملت را از استحکام و ثبات برخوردار می سازد. پیوندهای نژادی عامل دیگری است که تا هنوز می تواند در ساختن میکانیزم وحدت ملی و تشکیل ملت، مؤثر و کارساز باشد. قربت خونی چه در سطح خانواده، چه در سطح قبیله و قوم و حتی فراتر از آن در سطح يك نژاد، عواطف و وجدانهای افراد را برانگیخته و آنها را به همدیگر گره و پیوند می زند. کسانی که جزء اعضای يك خانواده اند، افرادی که در سطح يك قبیله یا يك قوم باهم پیوند خونی دارند و در يك رشته خونی به هم گره خورده اند، از نظر عاطفی و روانی بیشتر نسبت به همدیگر احساس نزدیکی، قربت و همبستگی می نمایند. به رغم اینکه با گسترش روابط سیاسی و اجتماعی کشورهای جهان، فاصله ها بین جوامع بشری و ملت های جهان کمتر شده و قالب های خونی و قومی کمرنگ شده است، ولی تا هنوز احساسات

خونی و نژادی در بسیاری از رگها و پیکرها می دمند و عواطف و وجدانها را بر می انگیزد. ملت تاجکستان، ازبکستان و قزاقستان بر همین مبنا شکل گرفته است. آلمان نازی بر اساس همین احساسات اعلام موجودیت کرد. تلاش کردها برای تشکیل کردستان ناشی از همین انگیزه ها و عواطف نژادی است. ابراز نگرانی ترکیه نسبت به سرنوشت مردمان ترک، افغانستان، احساس نزدیکی و قربت ایران با تاجکستان و مردم تاجک نژاد افغانستان، ابراز همدردی هزاره های جهان در رابطه به سرنوشت هزاره های افغانستان و ... تفسیر و توجیهی جز تفسیر و توجیه نژادی و احیاناً زبانی و فرهنگی نمی تواند داشته باشد.

احساسات و گرایشات خونی و نژادی گاه چنان تشدید و طوفانی می گردد که به شکل راسیسم و فاشیسم تجلی می کنند. راسیسم و فاشیسم يك مرحله افراطی از گرایشات نژادی است. گرایشات نژادی در شکل فاشیسم و راسیسم بر مبنای نوبخ ذاتی و برتری نژادی از نظر کمالات انسانی استوار است. در قاموس فاشیسم و راسیسم نژادها به دو دسته پست و برتر تقسیم می شود و تمام امتیازات زندگی از نوع سیاسی و اجتماعی آن بر پای نژاد برتر ریخته می شود.

ما با وجود اینکه با این نوع گرایشات افراطی مخالفیم و معتقدیم که همه نژادهای بشری در صورت حضور شرایط اجتماعی و اخلاقی معین می توانند از تمام خصوصیات انسانها برخوردار باشند و این تجربه را يك تجربه شکست خورده و بدفرجام تلقی می کنیم، در عین حال جنبه های مثبت گرایشات نژادی (ناسیونالیسم) را می پذیریم. ناسیونالیسم و گرایشات نژادی صد در صد مردود، غیرمنطقی و در تضاد با نورمها و معیارهای ارزش دینی نیست. ناسیونالیسم در ابعاد مثبت خود، مثبت و مورد پذیرش است. هرگاه ناسیونالیسم موجب همبستگی و پیوند بیشتر، روابط و قربت عمیقتر، خدمت و احسان بیشتر با کسانی شود که با آنها سرنوشت مشترك، درد و رنج مشترك و آرمان و آیدال مشترك داریم، نه تنها غیرمنطقی نیست، بلکه اسلام خدمت به کسانی را که با آنها قربت خونی و نژادی داریم، در اولویت قرار داده است. این نوع گرایشات هنگامی مردود و غیرمنطقی و نامشروع است که انسان را در حصار تنگ و نفوذ ناپذیر قبیله محبوس نموده و جز خود و قبیله، خود دیگر هیچ کس و هیچ جمعی را نبیند و نپذیرد و خدمت به قوم خویش را به بهای خیانت به حقوق اقوام دیگر و سلب امتیازات قبایل دیگر بچوید.

«ادامه دارد»

محیط زندگی و خصوصیات فزیکى تجلی می کند، بلکه حتی طرز فکرها، ویژگی های روحی و روانی، شیوه های زندگی، مسیر حرکت، نهایت و مقصد حرکت را نیز در بر می گیرد. این يك واقعیتی است که علیرغم تلاشها و آرزوها برای تشکیل جامعه، واحد جهانی موجودیت خود را بر جامعه، بشری تحمیل کرده است. جامعه، واحد بشری چگونه بصورت واحدهای مختلف و مستقل اجتماعی تحت عنوان آنچه ما از آن بعنوان «ملت» تعبیر می کنیم، طبقه بندی شده است؟ این شعور جمعی در میان يك عده از انسانها که واحد سیاسی اجتماعی یی بنام ملت بوجود آورده اند، چگونه پدید آمده است؟ این وجدان جمعی و این احساس مشترك که باعث پیوند جمعی از انسانها در قالب واحدی بنام ملت گردیده، بر چه معیاری و پایه ای شکل گرفته است؟

بهتر است در ابتدا تعریفی از ملت بدست بدهیم تا هم پیشروآمدی باشد برای ورود به اصل بحث و هم در پرتو آن، محور و حدود بحث روشنتر و متق تر گردد. «ملت» عبارت از مجموعه افرادی است که اعضای آن بوسیله عناصر پیوند دهنده، مادی و معنوی به هم پیوند خورده و جامعه، واحد سیاسی بنام کشور- ملت را بوجود آورده اند. ملت واحد جمعیتی است که بر قلمرو ارضی کشوری استقرار یافته و بر خلاف واژه «مردم» که جنبه جامعه شناسی دارد، بیشتر جنبه حقوقی و سیاسی دارد و در حقوق و سیاست داخلی و بین المللی مورد مطالعه قرار می گیرد.

تجربه تاریخی و واقعیات اجتماعی نشان می دهد که این استقرار زاینده شرایط سیاسی، اقلیمی، نژادی، زبانی، سنن، آداب تاریخی و فرهنگ مشترك و بالاخره درد و رنج و سرنوشت مشترك است. این عناصر چه بصورت جوهری و چه بصورت عرضی، چه در مرحله ایجاد و چه در مراحل بعد از آن، نقش مهم و عمده ای، در تکوین ملت، تشکیل وجدان و شعور جمعی و حفظ این بدنه، ایفا می کنند.

زبان مشترك، عامل معرفت و پیوستگی و کانی برای ارتباط و پیوند عواطف و در نتیجه رشد و تکامل وجدان و شعور ملی است. وجود

## ناسیونالیسم و گرایشات نژادی صد در صد مردود، غیرمنطقی

و در تضاد با نورمها و معیارهای ارزش دینی نیست. ناسیونالیسم در ابعاد مثبت خود، مثبت و مورد پذیرش است. هرگاه ناسیونالیسم موجب همبستگی و پیوند بیشتر، روابط و قربت عمیقتر، خدمت و احسان بیشتر با کسانی شود که با آنها سرنوشت مشترك، درد و رنج مشترك و آرمان و آیدال مشترك داریم، نه تنها غیرمنطقی نیست، بلکه اسلام خدمت به کسانی را که با آنها قربت خونی و نژادی داریم، در اولویت قرار داده است.

این عنصر در اولین مراحل تکوین ملت ضروری و نقش آن در ایجاد و گسترش و تقویت روابطی از نوع ملی، بدیهی و انکار ناپذیر است. درست که رشد و تکامل زبان و گسترش اصول و قواعد آن در طی قرن ها، پس از تکوین ملت و استقرار جمعی از انسانها در قلمرو سرزمین معین صورت گرفته و در واقع محصول ملت است، ولی از پذیرش این واقعیت نیز گریزی نیست که اولین سنگ بنای ملت بر روی خمیر مایه زبان گذاشته شده است. نقش زبان در مبادی تکوین ملت يك نقش ضروری است. وجدان جمعی و شعور ملی مبتنی بر معرفت، جلب عواطف و پیوند روانی اعضای تشکیل دهنده ملت است. تا این پیوند بوجود نیاید، ملت به معنای واقعی کلمه، شکل نمی گیرد. و این همه، از کانال زبان امکان پذیر است. به همین خاطر است که جهت گسترش روابط اجتماعی و تعمیق آن بین اعضای ملت، حتی بعد از تکوین ملت هم تلاش به عمل می آید تا از میان همه زبان ها، زبان واحدی مورد پذیرش و پسند تمامی اقشار و بخش های مختلف ملت قرار گرفته و با بسط و گسترش آن، روابط اجتماعی در میان همه اعضای ملت، امکان پذیر و تسهیل گردد. گسترش شعاع يك زبان در میان همه بخشهای ملت، در ضمن اینکه روابط اجتماعی را تسهیل می کند، وجدان جمعی و پیوندهای ملی را نیز استحکام و تقویت می بخشد. این نقش در دوره های معین از تاریخ ملت ها ظهور و جلوه بیشتر گرفته و بعنوان سمبول و شعار در سطح آرمان ملی مطرح گردیده است. چنانکه در جنگ استقلال هند و الجزایر زبان های عربی و هندی بعنوان شعار ملی، بهترین نقش را برای پیوند ملی و تحریر احساسات ملی ایفا نمود.

ندام جنگ در افغانستان نگرانی ها را در مورد سرنوشت وحدت ملی در این کشور افزایش داده است. عدم احترام متقابل، مطلق گرایی، عدم انعطاف در موضع گیری های سیاسی وصف آری ها و تبدیل نظامی که با مرور زمان نه تنها کاهش نمی یابد بلکه بر قاطعیت و جزمیت آن افزوده می شود، فاصله ها را هر روز عمیقتر و خطوط فاصل را نفوذ ناپذیر می سازد. اختلافات گروهی، جنبه قومی گرفته و به مرزبندی های جغرافیایی منجر گردیده است. تضادهای گروهی مرزهای جدید جغرافیایی را در درون افغانستان بوجود آورده و هیت قومی ماهیت جرمی پیدا کرده است. ادامه این وضعیت در ضمن اینکه چشم انداز صلح در افغانستان را تاریک کرده، نگرانی های شدید محافل سیاسی و اجتماعی کشور را نیز برانگیخته است. زیرا مرزبندی های جغرافیایی و تعیین مرزهای عبوری در درون يك کشور، مقدمه تجزیه آن کشور و به مخاطره افتادن وحدت ملی است. تشکیل دولت جدید در شمال کشور و عدم انعطاف طالبان در جهت تشکیل يك دولت فراگیر ملی، بر نگرانی ها افزوده و احتمال اینکه کشور به دو بخش شمالی و جنوبی تجزیه گردد، تقویت یافته است. کمتر کس و مجموعه ای است که نگرانی خود را در این مورد ابراز و کس یا کسانی را به تجزیه افغانستان متهم نکرده باشد. و البته در این آشفته بازار کسانی هم هستند که با بستن اتهامات دروغین، تفسیرهای ناصواب و ترجیحات میان تهی محیط را متشنج تر نموده و بر نگرانی ها می افزاید.

اما باید دانست که وحدت ملی هدیه ای نیست که صرف با ابراز نگرانی و ارائه شعار بدست آید و همچنین مخلص ترین فرد به پیشگاه وحدت ملی کسی نیست که بخاطر فقدان آن بیشتر اشک چشم بریزد. وحدت ملی تنها با تحقق عناصر و معیارهای سازنده خود امکان پذیر می گردد. تا این عناصر محقق نگردند، هیچ چیز دیگری نمی تواند موجودیت و بقای وحدت ملی را ضمانت نماید. صداقت با این اصول و معیارها محک می خورد. چه چیزی وحدت ملی را بوجود

می آورد؟ حفظ وحدت ملی به چه عامل یا عواملی بستگی دارد؟ میزان تلاش در راه تحقق این عوامل، میزان صداقت را نیز قابل شناخت و ارزیابی خواهد کرد.

در ساختار وحدت ملی چه عناصری به کار می روند؟ عناصر مؤثر در تکوین وحدت ملی و معیار های کلاسیک برای ایجاد و حفظ وحدت ملی چیست؟ از میان همه این معیارها و عناصر کدام معیار و عنصر در ساختار وحدت ملی افغانستان به کار رفته و برای حفظ و نجات آن از خطر تجزیه، تدابیر لازم و ضروری چیست؟ در این بحث می خواهیم به این سوالات پاسخ بگوییم و در روشنائی آن ساختار وحدت ملی و عناصر سازنده آن در افغانستان را به جستجو و ارزیابی می گیریم، به امید اینکه بتوانیم راهی به سوی حفظ وحدت ملی بگشاییم و نقش و رسالتی را که آگاهی به عهده مان گذاشته، به انجام رسانده باشیم.

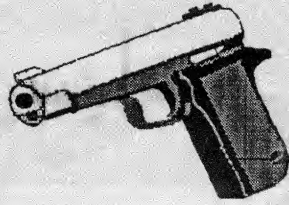
از کیفیت طرح سوالات روشن می شود که این بحث در دو بخش بررسی می گردد. در بخش اول معیارهای کلاسیک برای تکوین وحدت ملی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد و در بخش دوم، بحث جنبه تطبیقی پیدا می کند و در آن خواهیم دید که از میان معیارهای کلاسیک چه عناصری در ساختار وحدت ملی در افغانستان دخیل اند. در بخش اول بحث بر سر تکلیف فعلی ملت ها نیست. هدف، کشف عوامل و عناصری است که وجدان ملی را می سازد و روابط و عواطفی بین دسته از مردم برقرار می کند تا يك «ملت» بوجود آید، اما در بخش دوم بحث بر سر این است که ساختار وحدت ملی در افغانستان چگونه است، چه عوامل در ساختن میکانیزم ملت افغانستان نقش داشته و برای حفظ آن چه عواملی را باید مطمح نظر قرار داد و روی آن تاکید و سرمایه گذاری کرد؟

## معیارهای کلاسیک:

جامعه بشری در عین وحدت و برخورداری از وجوه مشترك، دارای شعب و اصنافی است که واقعاً از هم متمایز اند و هر کدام راهی، هدفی و شیوه خصوصی برای زندگی برگزیده اند، بطوری که امکان ادغام و اضمحلال شان در وجود یکدیگر حد اقل در شرایطی که ما زندگی می کنیم وجود ندارد. ما انفکاک و قایز واقعی بین شعب مختلف جامعه بشری از آسیا و اروپا، آفریقا و امریکا و مجموعه های گوناگون انسانی که به نام «ملت» یاد می شوند، مشاهده می کنیم. این اختلاف نه تنها در رنگها، شکل و شمایلها، زبان ها،



# آخرین سخن با زبان اسلحه



بر همگان روشن است که تا کنون حزب وحدت اسلامی فقط و فقط در چارچوب سیاست دفاعی خود را محدود نموده است. جنگجویان این حزب تا کنون بالای خانه هیچ مردمی لشکر کشی نکرده است و اگر دستی به ماشه کشیده است صرف برای دفاع از خانه شان بوده، ولی اگر طالبان معنی این سیاست را درک نکنند و همچنان به نامردی هایشان پافشاری نمایند، حزب وحدت مجبور خواهد شد تدابیر دیگری را برای ختم روند کشتار و شکنجه مردمش، اتخاذ نماید

نرسیده است متعصب ترین لشکر قومی را برای سرکوب مردم بالای شهر مزار شریف، گسیل داده اند و این نشان می دهد که طالبان جز زبان زور چیز دیگری را نمی فهمند.

طالبان تا کنون باید به این نتیجه می رسیدند که با زور و تفنگ نمی شود بالای مردم حکومت کرد. و اگر هم با پشتوانه های خارجی در مراحل ابتدایی بتوانند، به سرکوب مردم توفیق یابند، ادامه این حالت برای آنها، بهای سنگینی را می طلبد. اگر طالبان نتوانسته اند به این درک برسند، در مقابل مردم بخوبی درک کرده اند که فاجعه سنگین تر از ناحیه طالبان آن زمانی بوقوع خواهد پیوست که سلطه سیاه این گروه بر تمامی کشور سایه افکند. طالبان با طرز فکر مربوط به قرون وسطایی و موتور محرک عصبیت قومی، نظام پولیسی قومی- مذهبی را بوجود خواهند آورد که نفس کشیدن مردم رانیز در قید خود قرار دهند.

با این حال جز يك راه برای مردم باقی نمانده است. مردم یا باید تسلیم مرگ شوند و یا با سلاح مرگبار از حیات انسانی خود دفاع نمایند.

طالبان مردم را در سردرهای مرگ و زندگی قرار داده اند و مردم ثابت ساخته اند که راه زندگی را با در دست گرفتن اسلحه انتخاب نموده اند. اگر آن پاسخ گذشته نتوانست گردد و غبار اندیشه خاك گرفته طالبان را بتکاند، در آخرین آزمون یکبار برای همیشه، پاسخ منفی با زبان اسلحه و گلوله مذاکرات را در مغز طالبان خالی خواهند کرد. ریسمانی که ساختمان حکومت نجیب را لرزاند از شهر مزار شریف، کشیده شد. تاریخ بار دیگر تکرار می شود، ریسمان زنده گی طالبان در اینجا قطع خواهد شد. گریه تقدیر چنین رقم زده است که گامهای زوال باید از اینجا برداشته شود.

آن دستی که باز هم طالبان را به این سمت هدایت کرده است، دستی است که جسد طالبان را نیز در اینجا دفن خواهد کرد. این آخرین تقلایی است که طالبان برای مرگ شان انجام می دهند. مردم نمی توانند سرنوشت زندگی شان را بدست چهل پسرانند. حزب وحدت اسلامی نیز بیش ازین نمی تواند شاهد کشتار و شکنجه مسافران هزاره بدست طالبان باشد. سیاست مدارای حزب وحدت نه تنها طالبان را به انعطاف و عقلانیت سیاسی رهنمون نساخته است که طالبان این سیاست را نشانه ضعف تلقی نموده، هر روز بر حجم فشارهایشان علیه انعطاف پذیری این حزب می افزایند. بر همگان روشن است که تا کنون حزب وحدت اسلامی فقط و فقط در چارچوب سیاست دفاعی خود را محدود نموده است. جنگجویان این حزب تا کنون بالای خانه هیچ مردمی لشکر کشی نکرده است و اگر دستی بر ماشه کشیده است صرف برای دفاع از خانه شان بوده، ولی اگر طالبان معنی این سیاست را درک نکنند و همچنان به نامردی هایشان پافشاری نمایند، حزب وحدت مجبور خواهد شد تدابیر دیگری را برای ختم روند کشتار و شکنجه مردمش، اتخاذ نماید.

شهر پشت سر ماست، میدان نبرد دشت های وسیع و هموار بلخ باستان است. بدرخواست ملاخیر الله از شهر بیرون زده ایم، آنجا که او میخواست. از جوان مردان نیاید جز آنکه به دشمن نیز فرصت بدهد تا آرزوهایش بر آورده گردد. حال که مضاف در بیرون شهر قرار دارد، کار نامردان است که بر شهر تخلیه آتش بریزند و بر گلولی زنان و اطفال و پیر مردان، تیغ بگذارند.

درگاه نبرد هرگز سر بریز نمی ایستیم و پشت بدشمن نمی کنیم. چشمان ما به دور دست ها جولان می کند. آنجا که انتهای لشکر دشمن است. از دور دست ها بر ساکنین بی دفاع آتش می کنیم، گام به پیش می گذاریم و بر آن مغزی رها می کنیم که اندیشه تیره دارد و نیت د د منشا نه. آدم نمی کشیم که آدمکش نیستیم، ولی بر ستم شر می افکنیم که ستم سوز هستیم. جنگ ما با آدمها نیست که اطفال و زنان را سر ببریم. نبرد ما با تفکری است که انسان را خوار، جاهلیت را گسترده و مردمان وطن را فقیر و در بند می سازد. یقین داریم که در نبردگاه مزار نشان آتش ما قلب ستم است و تفکر انحصار.

تمام تعهدات مکتبی، ملی و انسانی ما، پشتوانه مقاومت ماست. با این باور اگر کشته شویم شهیدیم و اگر زنده بمانیم، غازیان آزادی و عدالتیم. چیزی نداریم که تعلق خاطر آن، مارا از مرگ بهراساند که مرگ بسا سبکتر است از ننگ فرار و حقارت شکست.

معنی این نبرد بودن ما ست. اگر نچنگیم نابود می شویم، همچنانکه مردمان بی دفاع قزل آباد، در خانه هایشان سر بریده شدند. چه راهی جز این داریم که در پناه اسلحه خود زنده گی کنیم؟ تا آن زمانیکه حاکمیت مردمی و ملی در کشور ما حاکم گردد، تنها پناه ما تفنگ است. تفنگ مان را دوست داریم، چون از آن تخم مرگ بالای دشمن می ریزد. این يك ضرورت است که تفکر ستمبار انحصار بر دوش ما گذاشته است. ورنه مردم آرامی بودیم در خانه های خود.

طالبان در میان مردم است. مردم بیگانه با طالبان و طالبان بیگانه با مردم، هرگز باهم نمی جوشند یکبار آزمون تلخی که در کام طالبان، شرنگ مرگ ریخت و آنها را بحدی از عصبانیت ملتهب ساخت که از سر انتقامجویی با چنگ و دندان به جان مسافران بیدفاع افتادند و چه بسیار از مسافرینی که به سرنوشت مرگ دچار گشتند و چه بسیار دیگر تا کنون تحت شکنجه های انتقامجویانه قرار دارند، کفایت می کرد. اراده مردم اساس مشروعیت را تشکیل می دهد. حق حکومت از آن جریانی بحساب می آید که رأی اعتمادش را از مردم گرفته باشد. جریانی که اسلحه در دست گرفته تا اراده مردم را سرکوب نموده، آنها را به سکوت مرگبار، محکوم نماید. با اولین فیر خود بطرف مردم، اساس مشروعیت خود را نشانه می گیرد. مردم حق دارند در مقابل چنین نیرویی به مقابله مسلحانه متوسل شوند. یکبار مردم رأی منفی خود را به طالبان اعلام نموده و طالبان باید به همین مقدار بسنده می کردند. ولی باز هم می بینیم که تلاش های صورت می گیرد تا کسانی را اغوا نمایند که به مردم شان خیانت نموده، دروازه ها را برای سرکوب مردم شان به رخ گروهی باز نمایند که با بدیهی ترین حقوق انسانی آشنایی ندارند. ولی طالبان که نه از تجربیات گذشته پند می گیرند و نه به حقوق مردم احترام می گذارند، بار دیگر با دست آویز خیانت برخی عناصر پول پرست، در حالیکه هنوز لبهای شان از اعلام آمادگی برای مذاکره، بهم

طالبان جز با زبان زور چیزی نمی فهمند. این تجربه تلخی است که به بهای قربانیهای سنگینی، پیش روی ما قرار گرفته است. فاجعه ای سنگین تر ازین برای ملت بوجود نمی آید که آنها با جهالتی روبرو شوند که برای اثبات موجودیت و حقوق انسانی خویش مجبور گردند که بازبان تفنگ سخن بگویند. در شرایطی که دنیا به آن حدی از معقولیت و انعطاف پذیری رسیده است که مردم با يك تجمع یکساعته در سرکها، مقتدرترین حکومت ها را وادار به کناره گیری و استعفا نماید و هیچ جریانی حاضر نمی شود که دیوانگی و لجابت مقابله با خواست مردم را در دفتر سوانح خود رقم زند، طالبان با سلاحهای مرگبار به جنگ و توطئه علیه مردم خود، مبادرت می ورزند. مردم طالبان را نمی پذیرند. چون هرگز خود را در چهره طالبان نمی بینند. طالبان، عصاره تعصب جهالت قرن های کهنه ایست که با معیار های زنده گی کنونی سازگاری ندارد. مردمی که می خواهند خود را به کاروان مدنیت جدید ملحق نموده، عقب مانده گی های دور و فطرت ناشی از نظام قبیله سالاری را از دوش هایشان سبک نمایند، نمی توانند همپای جریانی شوند که ریسمان زنده گی را به عقب می کشند.

قیام شکوهمند مردم شمال و شمالی سکوت خشم آلود مردم کابل و هرات، شورش های مسلحانه مردم مشرقی همه، گویا عدم پذیرش

## به جنگ کسی نمی رویم و اگر کسی به جنگ ما بیاید مغز شان را بر از گلوله های گداخته خواهیم کرد

شده و مردم بیدفاع بنشینند.

با این آموزه ها و معیارها مشی می نماییم و در میدان نبرد گام می گذاریم. همه آنهایکه با چشم بصیرت می بینند، دیده اند که طالب به جنگ ما آمد و سر انجام در مضاف با ما شکسته شد. همیشه میدان نبرد، جوار خانه ما بوده و این نشان می دهد که بر ما تجاوز شده و ما به جنگ کسی نرفته ایم. حماسه مقاومت ما در واقع تبلور کننده حقانیت نبرد ما در دفاع از خانه ماست.

شیخ علی و ترکمن و مزار شریف، جغرافیای حماسه دفاع ماست و نیز غرب کابل که با خون پدر قوم ما رنگین است. هیچ نبرد گاهی یادگار شکست و فرار ما را در حافظه ندارد. حقانیت ما پشتوانه استوار نبرد ماست. معجزه حماسه مقاومت ما ریشه در حقانیت موضع ما دارد. آنانیکه جام مرگ را از دستان ما می نوشند، سرنوشت عاقبت ستم شان را می کشند.

ما در مزار شریف بر طالبان دست دراز نکردیم. این طالبان بودند که شیشه غرور شان را بر سنگ ما زدند. فاجعه قزل آباد (سر بریدن هفتاد نفر زن و کودک و مردم بیدفاع) بیان کننده نیتی است که طالبان با همان نیت به سید آباد آمده بودند. سید آباد نمی توانست هتك حرمت ناموس خود را توسط طالبان تحمل نماید. ازینجا بود که جرقه يك قیام خشمگین زده شد و بر جان لشکر خونخوار طالب، شر افکند.

اینک که باز هم مضاف دیگری برپا گردیده و انحصار با تمامی تعصب و خشونت خود به جنگ عدالت و برابری آمده است، آماده جنگیم و پیکار. تعهد با خون پدر قوم ما همچنان در سینه ما می جوشد. و غیرت او در رگهای مان می دود. هرگز خوابیده نخواهیم مرد. اگر مرگی به سراغ ما می آید، ما را ایستاده خواهد یافت. فرزندان سید آباد هنوز زنده اند و یقین داریم که مزار، مرکز مدعیان انحصار خواهد شد. آنهایکه پدر ماترا کشته اند.

خلقت گذاشته، بندگان کریم خداوند را به بند بهره کشی و استثمار بکشیم. مفهوم آزادی و کرامت انسانی فراتر از آن است که در پای امیال فزونخواهانه ما قربانی شود. جامعه ایکه آزادی در آن سلب می شود و کرامت انسانی بحد حیوان بارکش تقلیل می یابد. انسانها به گله ساقطی تبدیل می شوند که تمام فلسفه خلقت انسان را در گند آب حیوانیت مدفون می سازند. زینهار که چنین معصیتی را مرتکب شویم و ارزش انسان را پاس نداریم و حرمت آزادی را ضایع نماییم.

از بابای قوم خود به میراث گرفته ایم که آزاد و سریلند زندگی نماییم. و آشیان همت خود را بر قله ها بگذاریم و طعمه مردار نخوریم. بر افتاده لگد نزنیم و زور مانرا بر مسافر خسته و غریب نیاز ماییم. بر زنان و اطفال و پیر مردان باکی نیست، دور باد که شمشیر خود را بجان آنها صیقل دهیم که این شیوه نامردان و بزدلان است.

عیار باشیم و غیرتمند، مغرور همچون قله های سریلند "بابا" که برای آزار اسیر و دریند، و مردم بیدفاع، خم نشویم. به خانه کسی نتازیم، حریم آنچه با فرمان خدای تحریم شده است، نگهداریم. پاسدار حق باشیم، فریاد گر آزادی و پرچمدار عدالت. تیر رها نکنیم مگر بر آنهایکه دست تجاوز دراز کرده اند، ظلم پیشه نموده اند که بقای ملک و مملکت را بخطر اندازند. ابا می ورزند که هر چیز را بجایشان قرار دهند. طایفه ای از اهل غی که فریاد استغاثه زنان و اطفال و مردم بیدفاع برای نجات از شر آنها به آسمان است.

از مذهب مان آموخته ایم که مضاف ندهیم مگر در میدانی که دشمن خود بدان پا گذاشته است. جز شکار مسلح سراغ بیدفاع را نگیریم. زهی ننگ و بزدلی که به جنگ زنان، اطفال و پیر مردان دست بر روی ماشه بگذاریم و گلوله ما بر قلب تسلیم



# دورویی طالبان و بی اعتمادی سیاسی

پس از چند هفته سکوت و آرامش نسبی در خطوط مقدم جنگ، بار دیگر شعله های آتش آدمخوار جنگ در کشور بالا گرفت و جمع دیگری از فرزندان وطن را در کام مرگ فرو فرستاد. این دور از جنگ زمانی آغاز گشت که طالبان مستقر در شهر قندوز پس از هفته ها سرمایه گذاری روی برخی از قوماندانان های منطقه به شهر تاشقرغان نفوذ نموده و در تبابی با آنها تا دروازه های شهر مزار شریف پیشروی نمودند. هرچند پیشروی طالبان در مواجهه با مقاومت شکوهمند مردم مزارشریف سد گردید و حماسه مقاومت مردمی بار دیگر دماغ غرور و تبختر آنان را بر خاک مذلت و شکست مالید و دلخوشی های سلطه نظامی بر تمام ساحات کشور را به ناامیدی مرگ آوری مبدل ساخت، ولی اثر روانی و بار منفی بی که این جنگ به همراه آورد، چشم انداز صلح و ثبات در افغانستان را بار دیگر مبهم و تاریک ساخت. این جنگ در زمانی بوقوع پیوست که درست یک هفته قبل از آن، طالبان برای مذاکره با مخالفین در عریستان بدون پیش شرط اعلام آمادگی نمودند. طالبان قبل از این هم، بارها از مذاکره با مخالفین سخن گفته بودند، ولی این مذاکرات با پیش شرطی همراه بود که بطور طبیعی با واکنش منفی مخالفین مواجه می گشت. اما این بار طالبان از مذاکره ای سخن گفتند که هیچگونه قید و شرطی به همراه نداشت. تبارز یک چنین انعطافی در موضع سیاسی طالبان، حکایت کننده اشاعه اصل مذاکره در طرز تفکر طالبان بود. از این جهت مخالفین از جمله حزب وحدت اسلامی اعلام موضع جدید سیاسی از سوی طالبان را به فال نیک گرفته و با اعلام آمادگی برای هر نوع مذاکره از آن استقبال نمودند.

درست در همین زمان که زمینه برای آغاز دور دیگر از مذاکره بین طالبان و جبهه متحد اسلامی در عریستان فراهم می شد، جنگ شمال بوقوع پیوست، جنگی که در پطن آن، نیت حصول سلطه نظامی بر تمام ساحات کشور و سرکوب تمام مخالفین نهفته و از ماهیتی پرده بر می دارد که جز به منطق جنگ، به هیچ اصل و منطق دیگر ایمان و اعتقاد ندارد.

ماهیت جنگ، ماهیت دشمنی و خصومت است. استراتژی جنگی ماهیت دشمنی و کینه ورزی خداوندان جنگ را نسبت به طرف دیگر جنگ به نمایش می گذارد. در حالی که در ماهیت مذاکره، تمایلات دوستی نهفته و آمادگی برای مذاکره یک گام به سوی دوستی تلقی می شود. تعقیب سیاست جنگی در چوکات اعلام آمادگی برای مذاکره، نشانگر یکنوع دورویی از قبیل سیاست تشدید دشمنی در قالب تمایلات دوستی است.

هنگامی که طالبان با اعلام آمادگی برای مذاکره، تمایلات دوستی خود را به نمایش می گذارد و در همان حال خنجر به کف گرفته و می خواهد از عقب بر قلب طرف، فرو ببرد، این سیاست، چهری را نشان می دهد که ظاهر و باطن آن هیچگونه تشابهی به هم نداشته و در تضاد کامل به سر می برند، چیزی که از آن در قرآن بعنوان «منافق» یاد می گردد و خطرناکترین و زیانبارترین نقش آن ایجاد بحران اعتماد و بی اعتمادی سیاسی در میان اقشار مختلف جامعه است. این سیاست نه تنها ماهیت اندیشه ضد انسانی طالب و تهی بودن و پوچ بودن آن را از درایت سیاسی و ایمان به ارزش های انسانی و سرنوشت سیاسی و اجتماعی ملت افغانستان بیان می دارد، بلکه بزرگترین خطر برای اعتماد سیاسی اقشار مختلف ملت نیز محسوب می گردد. ملتی که چندین سال در آتش گرم و مرگ آور جنگ، بعنوان چوب سوخت مورد استفاده قرار گرفته، برای نجات از این سرنوشت سیاه، نیاز به فضا و محیطی دارد که در آن هر بخشی از ملت بتواند بر روی بخش های دیگر اعتماد و اطمینان نماید. در محیطی که از بحران اعتماد آکنده است، هیچ امیدی برای پایان بحران وجود ندارد و هیچ تلاشی برای ایجاد صلح ثمر نخواهد داد. از این جهت تعقیب این سیاست از سوی طالبان بزرگترین خیانت به سرنوشت سیاسی مردم افغانستان نیز هست.

جنگ به بن بست رسیده، دست بالای نظامی دیگر نمی تواند رسیدن به اهداف انحصار طلبانه را ضمانت و استقرار نظام مبتنی بر عظمت طلبی های قومی را تأمین نماید. اصرار بر استراتژی جنگی به مثابه کوبیدن سر به صخره و مشت به سندان می ماند و کسانی که به رغم این واقعیت، خود را بر صخره های عظیم مقاومت مردمی، کوبیدند، تنها دست آورد شان به آغوش کشیدن اجساد پرخون جوانان قوم شان بوده است. تاکتیک های اغفال کننده نیز کاربرد خود را از دست داده و ثمره جز مرگ و قربانی نداشته است. از این جهت راهی جز مذاکره نموده است و این تنها راه نجات است. تمام چشمها به امید

گشوده شدن به این راه دوخته شده، تا از این طریق رسیدن به ساحل نجات امکان پذیر گردد، اما سیاست تشدید دشمنی در چوکات تمایلات صلح و دوستی که از سوی طالبان به شدت تعقیب می شود، تمام امیدها برای رسیدن به ساحل نجات از طریق مذاکره و تفاهم را به یأس مرگ آوری تبدیل کرده است. این سیاست بذریع اعتمادی بر بستر روحها و جانها می کارد. همزمانی تدارک طرحهای نظامی با مذاکرات سیاسی، فضای اعتماد را چنان تاریک و آلوده می سازد که تمام راهها را برای رسیدن به نقطه نجات مسدود و غیر قابل رؤیت می سازد. در یک چنین فضا کسی نمی تواند به هیچ کس و به هیچ طرحی دل ببندد و روی آن سرمایه گذاری نماید. تمام تکیه گاهها فرو می ریزد و تمام امیدها برای رسیدن به نتایج سودبخش قطع می گردد. اگر بنا است که در افغانستان حکومتی تشکیل گردد و جهت تأمین امنیت تمام سلاحها در یک مرکز جمع آوری شود، این پروسه، نیاز مبرم به جلب اعتماد سیاسی تمام اقشار ملت دارد. همانگونه که خلع سلاح جامعه پشتون توسط طالبان در فضای آکنده از اطمینان و اعتماد سیاسی برادران پشتون به این گروه، امکان پذیر گردید و مردم بدون مقاومت، سلاحهای خود را به طالبان تحویل نمودند، خلع سلاح سایر جوامع هم به ایجاد یک چنین محیط و زمینه ای، ضرورت دارد و تا این زمینه آماده نگردد، هرگونه تلاش برای خلع سلاح محکوم به شکست خواهد بود. درست است که تا سلاح از دوش مردم به زمین نیفتد و در یک مرکز جمع آوری نگردد، تأمین امنیت امکان پذیر نخواهد بود، ولی باید دانست که تا ضرورت حمل سلاح توسط مردم، منتفی نگردد، هیچ امکانی برای تحقق پروسه خلع سلاح در سطح کشور وجود نخواهد داشت. در شرایطی که سلاح بعنوان ناموس تلقی می گردد، هیچ کسی حاضر نخواهد شد که آن را بر زمین بگذارد. تنها زمینه ای که می تواند ضرورت حمل سلاح توسط مردم را مرتفع سازد جلب اعتماد سیاسی مردم از طریق ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر قاعده و وسیع ملی است.

اما هنگامی که طالبان در چوکات گرایشات دوستی و اعلام آمادگی برای صلح و آشتی، دست به خیانت و توطئه می زنند و همزمان با مذاکرات سیاسی، طرحهای نظامی را تدارک می بینند، این سیاست، نه تنها تمام پل های ارتباطی بی ایجاد شده را تخریب می کند، بلکه زمینه های هر نوع تفاهم و آشتی را از طریق سلب اعتماد سیاسی، نیز نابود

## طالبان به تدریج پشتیبانی و ...

که برای آنها پول داده می شود تا به نفع طالبان بجنگند. بخشی از آنها طالبان مدرسه ها نیز می باشند و یا از اعضای جناح های محافظه کار مذهبی در پاکستان هستند که پشتیبانی عمده ای را از طالبان فراهم کرده اند. عمدتاً عساکر پیاده هستند. علاوه بر آن، تاکتیک های پیشرفته جنگی در جنگ طالبان دیده شده که به تریبه آنها از طرف پاکستان نسبت داده شده می تواند و شاید نتیجه مشوره های تاکتیکی و تخیلی صاحب منصبان پاکستانی باشد... دکتر گودسن در کنار عوامل فوق الذکر، دلیل عمده موفقیت طالبان را مسئله نژادی می داند و می گوید: با عقیده به سیاست های نژادی در افغانستان تصور بر این است که حکومت باید از طرف رهبر پشتون ها تشکیل شود، مخصوصاً پشتون های درانی که برای چندین قرن در افغانستان حکومت کرده اند. از این لحاظ تشکیل حکومت از طرف تاجک ها غیر قابل به نظر می رسد. وی معتقد است که اختلافات نژادی در این اواخر عمیق تر شده و می افزاید: با شکست طالبان در این اواخر در ماه می در مزار شریف، اختلافات نژادی و قومی در افغانستان عمیق تر شده است.

دکتر گودسن در بخش دیگری از سخنان خود گفت: طالبان حکومت فعال را تشکیل داده نتوانستند. در حکومت آنها تنها چند شعبه محدود کار می کند. شورای عالی طالبان ریاست حکومت را بدوش دارد، ولی کس نمیداند که تعداد واقعی اعضای آن چند نفر است و حتی بعضی از اعضا می گویند: شورای عالی طالبان بین ۳۰ تا ۴۰ نفر عضو دارد. به گفته او هیچ مرجعی روی احتیاجات اساسی مردم از قبیل برق، آب و مواد غذایی فکر نمی کند و هیچ مؤسسه حکومتی چه در مرکز و چه در ولایات فعال دیده نمی شود. طالبان دوام جنگ را دلیل می آورند و می گویند: هر زمان جنگ تمام شد، به این مسایل رسیدگی خواهد شد. کارمندان حکومت در کابل در مدت پنج ماه معاش نگرفته بودند که مشکلات زیادی را برای مأمورین تولید کرده بود و علاوه بر تعداد گنایان

می سازد. وقتی که مردم بخاطر می آورند که طالبان حتی بعد از مذاکره و مفاهمه بزرگترین شخصیت سیاسی و ملی شان شهید عبدالعلی مزاری را بی رحمانه به شهادت می رسانند، هنگامی که مردم به یاد می آورند که طالبان چگونه توافقات چند ماده ای شان با رهبران جنبش ملی و اسلامی شمال را در حالی که تا هنوز رنگ آن نخشکیده، در آتش جنگ و تجاوز، خاکستر می سازند، در صورتی که مردم مشاهده می کنند که طالبان چگونه در قالب گرایشات دوستی، خصومت و دشمنی را تشدید نموده و درست پس از یک هفته اعلام آمادگی برای مذاکره و حل بحران کشور از طریق مفاهمه، شدیدترین حملات نظامی را بر مزارشریف سازمان می دهند و در طی آن دهها نفر از اهالی بیدفاع مناطق قزل آباد و قول محمد از توابع شهر مزارشریف را به جرم وابستگی به جبهه متحد اسلامی، قتل عام می کنند، این حالت نه تنها بی ماهیت بودن و بی ثبات بودن موضعگیری یک مجموعه بی فرهنگ را متباز می سازد، بلکه تمامی امیدها و آرزوها و تکیه گاههای صلح و ثبات در افغانستان را در آتش عدم اعتماد و اطمینان سیاسی، خاکستر می کند؛ چه اطمینانی وجود دارد که طالب بعد از مذاکره و مفاهمه، بار دیگر دست خیانت و توطئه را به خون مردم بی گناه آغشته نسازد؟ وقتی که طالب قبل از صعود به آخرین پله های پیروزی و در شرایطی که شدیداً به جلب اعتماد سیاسی و همکاری مردم نیازمندند، از هیچ نوع بی احترامی در برابر حیثیت سیاسی و اجتماعی اقشار محروم ملت و از هیچ گونه خیانت، توطئه و تعهد شکنی نپرهیزد، چه ضمانتی وجود دارد که پس از یک دور توافق دیگر و صدها قرآن و قسم دیگر و حتی پس از انجام خلع سلاح عمومی در چوکات یک حکومت مرکزی، بار دیگر دست خیانت و توطئه از آستین طالب بیرون نیاید و به بهای قربانی منافع ملی در پای منافع بیگانه، در برابر خواست و اراده مردم لگد نیندازد؟ آیا در یک چنین شرایطی مردم حاضر به خلع سلاح خواهند گردید و به نتایج مذاکرات دل خواهند بست؟ قطعاً پاسخ منفی است. بسیار احتمالاً خواهد بود که از مردم انتظار داشته باشیم که قبل از اعتماد و مطمئن شدن نسبت به سرنوشت سیاسی کشور شان، سلاحهای شان را بر زمین بگذارند و خود را در برابر کسانی که هیچگونه اطمینان به آنها ندارند، خلع سلاح نمایند و تا پروسه خلع سلاح تطبیق نشود، انتظار امنیت و ایجاد یک حکومت مقتدر مرکزی نیز بیهوده خواهد بود. این است ثمره تلخ کمندی سیاسی طالبان در صحنه سیاست افغانستان که نه تنها ماهیت اندیشه خائنانه آنان را بیان می کند، بلکه بزرگترین خیانت به سرنوشت سیاسی مردم افغانستان نیز هست، خیانتی که جریان صلح و امنیت در افغانستان را برای سالها به تأخیر انداخته و بحران افغانستان را هر روز عمیقتر و ریشه دارتر می سازد.

در کابل بسیار زیاد شده که ناشی از خرابی وضع اقتصادی است... دکتر گودسن در مقام نتیجه گیری می گوید: محبوبیت طالبان بسته به این است که از چه کسی سوال می شود، مثلاً هراتی ها طالبان را به حیث قوای اشغالگر می بینند... و حتی آنانکه طالبان را احترام می کنند درک می کنند که طالبان قدرت اداره کشور را ندارند و در امور حکومت و سیاست بسیار بی تجربه و تحصیل هستند. همه آنان که حالا هم با طالبان هستند، روحیه و سیاست های اجتماعی آنها را نمی پذیرند و فکر می کنم بعضی از آنها، وقتی طالبان مواجه با شکست گردند، از آنها روی خواهند گرداند و این چیزی است که از ماهها بدین طرف واقع شده و طالبان به تدریج پشتیبانی و حمایت های خود را بعد از حادثه مزار شریف از دست داده اند. وی ابراز عقیده کرد که اگر طالبان تمام افغانستان را متصرف شوند، آنرا اداره نخواهند توانست و انشعابات در بین آنها بروز خواهد کرد.

## حضرت صاحب مجددی ...

گزاران، ناراحت و شکست زده شده، با همدیگر به نجوا پرداختند که مولوی صاحب چه می گوید؟ حضرت صاحب مجددی که ازین کلمات سخت ناراحت شده بود، از جای ایستاده با پرخاش شدید به پیش فاز اعتراض نمود که سخنان شما بی اساس است و در افغانستان اصلاً جنگ شیعه و سنی وجود ندارد.

حضرت مجددی اضافه نمود: من مدام با افغانستان و شمال کشور در تماس می باشم، آنچه را که شما می گوید صحت ندارد، وظیفه شما این است که برای برقراری صلح و امنیت در افغانستان دعا نمایید، نه آنکه با سخنان نفاق افکنانه، وضع را متشنج تر بسازید. شاهد عینی می گوید، سخنان حضرت صاحب مجددی بالای نماز گزاران تأثیر گذاشته، باعث اعتراض عمومی نمازگزاران علیه امام جماعت گردید. گفتنی است که حضرت صاحب مجددی یکی از چهره های برجسته جهادی است که همیشه تلاش ورزیده است تا دامنه تشنجات و اختلافات کاهش یافته، صلح و امنیت به افغانستان برگردد. وی در همین اواخر مساعی صلحجویانه ایرا در جهت تفاهم طرفهای متخاصم آغاز کرده بود که متأسفانه از سوی طالبان سبوتاژ گردید.



# شعر و ادب

## فاتح از اقلیم شب آید سپاه خونفشان

با غبار نور می آید پگاه خونفشان  
بگذرد از کوچه های آب ماه خونفشان  
خیمه های ابر سوزد در حریق آفتاب  
فاتح از اقلیم شب آید سپاه خونفشان  
قهرمان راستین قصه های شهر عشق  
با سمند روز می آید ز راه خونفشان  
کوه آتش در حصار گردبازی پر خروش  
بر لبان شعله رقصان است آه خونفشان  
می نویسد روی دیوار بلند روزگار  
شعر آزادی فردا صبحگاه خونفشان

«نصرا ... مردانی»

## حدیث حادثه

«دو شعر از عباس جعفری»  
سرزمینم!  
کدام حدیث را گفتی  
که چنین در حادثه می سوزی!  
بر رهگذار کدام غریب  
تخم خار افشاندی  
که حالا  
شمشیر روییده است!  
بر بستر کفشهایت  
تنها زائر کویت  
آن عصاکش کور  
که تکیه داده بود بر تفنگی  
و می گفت:  
از نازنین فرزندش  
قصه ای می دانست  
که  
خداوند تقسیم کرد هر چه داشت  
تو در خواب بودی  
و تنها حادثه  
برای تو ماند و شهرهایت!

«کویت ۴/۵/۱۳۷۶»

## مردی مخنت بود

یکی گفت:  
«زنده باد آزادی»  
دیگری فریاد زد:  
«وطن پاینده باد»  
و مردی ...  
«سرافراز باشی قبیله ام»  
زنش هم گفت:  
«زنده باد فرزندانم»  
و فرزندانش ...  
تیغ کشیدند بر یکدیگر  
آنطرفتر کسی می خندید  
مردی مخنت بود!

«زاهدان ۸/۴/۱۳۷۶»

به میمنت میلاد مبارک زینب کبری سلام! علیها

«حسان»

## زینب

صبح ازل طلعه ایام زینب است  
پاینده تا بشام اید نام زینب است  
در راه دین لباس شهادت چو دوختند  
زینبده آن لباس بر اندام زینب است

## یگانه دوران

در برج ولایت است کوکب زینب  
علامه نارفته به مکتب زینب  
گفتم به خرد یگانه دوران کیست؟  
بی پرده دوبار گفت: زینب! زینب!

«ع.م»

## چلچراغ خاموش

برای شهید سید محمد سجادی و یارانش:

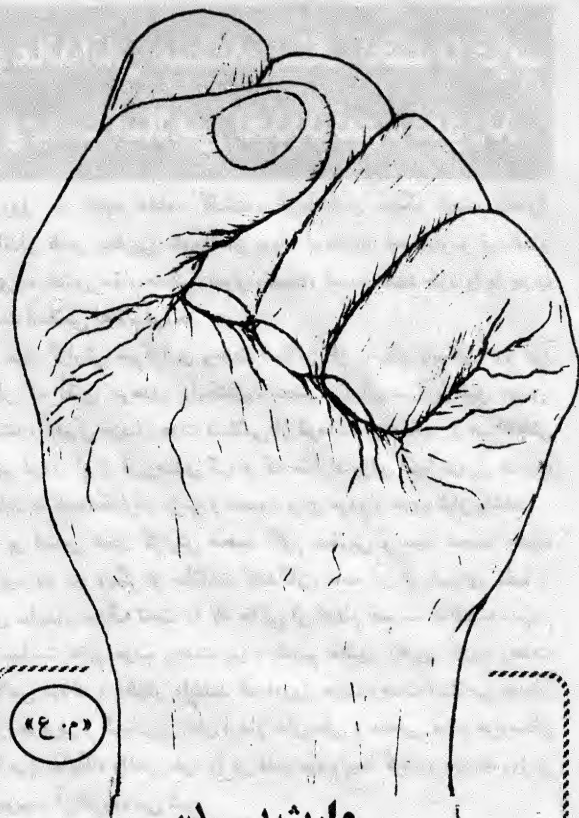
شکفت چهره سرخ ستارگان در خون  
نهفت جلوه زیبای اختران در خون  
زیاد حادثه یک چلچراغ شد خاموش  
و خفت دیده بیدار عاشقان در خون  
سمندران به آتش شدند ققنوسان  
ترانه خوان و سبکیال پر زنان در خون  
قلندران عجیبی که در قمار غریب  
به نرد عشق نهادند نقد جان در خون  
دمی که دامن «بابا» پر از شقایق گشت  
شکست بغض دل شهر «بامیان» در خون  
چه گویم آنکه در آدم به باغبان چه گذشت  
چو دید قامت سبز صنوبران در خون  
چه مشکل است فرا روی سروهای بلند  
نصیب شعله شود باغ ارغوان در خون

۱۳۷۶/۶/۱۴

## دیوارها

کوه با آهی برون آمد ز خویش  
دشت با فریادی از خود در شکست  
ده جبین آژنگ زخم خویش ماند  
دره تابی خورد و در آتش نشست  
سیل خشم از جا نمجانبانید شان  
بازهم دیوارهای کهکلی!

«شادروان قهار عاصی»



## وارث بدر

ما وارث بدریم وز اعقاب حنین  
افراز گر پرچم پر خون حسین  
داریم هزاران شفق از خون شهید  
بر دوش دل خویش فلق گونه به دین

## صخره

پولادترین صخره پا برجاییم  
توفانی و موج چو یک دریاییم

دو سنبگر سرخ شرف و آتش و خون  
ایستاده و ستوار چو یک «بابا» ییم

## آتش

از خشم چو یک پاره آتش شده ایم  
خنجر بکف از خون سیاوش شده ایم  
چون شعله که بر دامن شب می پیچد  
سوزنده اهریمن سرکش شده ایم

## به پیش!

برخیز برادرم نشستن ننگ است  
بر گیر تفنگ خشم خود را جنگ است  
چون صاعقه بر خصم زبون شعله بریز  
بشتاب و به پیش! عرصه به دشمن تنگ است

## هشدار!

هشدار برادرم ز پا ننشینیم!  
هنگامه جنگ است به جا ننشینیم!  
تا بشکستن آخرین سنگر خصم  
از بهر خدا! بهر خدا! ننشینیم!  
«۱۳۷۶، ۶، ۲۰»

## گنبد شیر خدا

سر اگر خفت به خون شکر که سنگر باقیست  
بهر خونخواهی او صد سر دیگر باقیست  
ملت مؤمن سرباز دلاور باقیست  
گنبد شیر خدا ساقی کوثر باقیست  
«مرحوم استاد خلیل ... غلیلی»



## قوماندانان منطقه سنگ تخت با حزب وحدت اسلامی تجدید تعهد نمودند

روز سه شنبه هفته گذشته، قوماندانان سنگ تخت بشمول قوماندان ظاهر یعقوبی، قوماندان پویا، قوماندان احمدیار و قوماندان نظری به حضور مقام معظم رهبری رسیده، تجدید تعهد خود را با حزب وحدت اسلامی اعلام نمودند.

قرار گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان باستان، در این دیدار که آقای موحی دایکندی، عضو شورای مرکزی نیز حضور داشتند، رهبری حزب وحدت اسلامی از قوماندانان مذکور و همراهانش تقدیر نموده، ابراز آرزومندی کردند که خداوند برای آنها توفیق عنایت فرماید تا خدمتگذاران مؤمن و متعهد برای مردم و حزب شان باشند.

بر اساس همین گزارش محمد اکرم یعقوبی و سید محمد حسین فراری، دو تن دیگر از ملاقات کنندگان، نامه ای از شورای علما و ریش سفیدان سنگ تخت را که حاکی از اعلام حمایت قاطعانه مردم از سیاست های حزب وحدت بود، تقدیم حضور رهبری حزب وحدت اسلامی نمودند و اظهار داشتند که امروز حزب وحدت اسلامی بعنوان نیرومند ترین و گویاترین زبان آرمان های ملی و مذهبی مردم هزارستان اسلامی، جایگاه واقعی خود را در قلب مردم پیدا کرده و روز به روز بر محبوبیت آن افزوده می شود.

## ریاست کمیسیون دفاعی حزب وحدت اسلامی از خطوط دفاعی میدان بازدید بعمل آورد

روز دوشنبه ۱۳۷۶/۶/۱۰، استاد جعفری، رئیس کمیسیون دفاعی حزب وحدت اسلامی در حالیکه ستر جنرال پابه علی یار، قوماندان عمومی جهات میدان و قوماندان فرقه ۹۸ و جمعی دیگر از قوماندانان او را همراهی می کردند، از خطوط دفاعی حزب وحدت اسلامی در میدان بازدید بعمل آورد.

قرار گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان باستان، استاد جعفری در دیدار با مجاهدین و سنگرداران از روحیه عالی و شجاعانه آنها ستایش بعمل آورده و از آنها تقاضا نمودند که همچنان در مواضع دفاعی و حق طلبانه خویش مردانه پای فشرده و مسئولیت دینی، انسانی و ملی خویش را به انجام رسانند.

طبق این گزارش، در ادامه بازدید رئیس کمیسیون دفاعی حزب وحدت اسلامی از جبهه میدان، آقای ناطقی ولسوال سرچشمه و جمعی از ریش سفیدان منطقه نیز با وی دیدار نمودند. و ایشان، سلام های گرم و پیام رهبری حزب وحدت اسلامی را به آنان ابلاغ و از همت مردم و مسئولین قدردانی نمودند.

گزارش علاوه می دارد، همچنین استاد جعفری و هیئت همراه با شهدای ولایتی ولایت میدان و قوماندانان حزب وحدت اسلامی در ساحه، تشکیل جلسه داده، آخرین انکشافات سیاسی و نظامی کشور و مناطق جنگی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند. در این جلسه که با حضور قوماندان علی یار برگزار شده بود، استاد جعفری به تحلیل و تشریح اوضاع کشور و وضعیت نظامی خطوط مقدم دفاع پرداخته، در پایان با جمع بندی مسایل ارائه شده، تصمیمات مقتضی و لازم در زمینه امور امنیتی و نظامی ولایت اتخاذ گردید.

حکومت اسلامی را در افغانستان تأسیس خواهند کرد. داکتر گودسن ادامه داد: مردم افغانستان از دوام جنگ خسته شده بودند و فکر می کردند با وجود طالبان و جمع آوری اسلحه جنگ تمام خواهد شد و از این لحاظ همکاری با آنها صورت گرفت. (گفتنی است که این همکاری ها فقط در برخی از مناطق افغانستان صورت گرفته است) وی می گوید: طالبان برای خریداری قوماندانان های محلی از قدرت پول استفاده کردند و توفیقاتی هم بدست آوردند بخصوص بین قوماندانهای پشتون در جنوب غرب، جنوب و شرق افغانستان. ولی این وسیله در شمال افغانستان مؤثر و کارساز نبود. و در نهایت طالبان از پشتیبانی پاکستان برخوردار بودند و هنوز هم برخوردار اند. صاحب منصبان پاکستان طالبان را مشوره می دهند. عساکر پاکستانی به همکاری آنان علیه مخالفان طالبان می جنگند. منظورم از عساکر، عساکر ملبس با یونیفارم نیست، بلکه پاکستانی های است

## حاضریم در سنگرهای عزت مردم خویش، جان خود را سپر نمائیم

بدنبال لشکر کشی طالبان بالای مزار شریف در روز سه شنبه هفته گذشته،

حماسه تجدید میثاق با رهبری در بامیان باستان تکرار شد.

سریازان، با خون پیشوای شهید میثاق بسته ایم که تا آخرین نفس از سنگرهای عزت و اقتدار مردم خویش دفاع نماییم. در پیام دیگر، خطاب به سر قوماندانان اعلائی حزب وحدت اسلامی افغانستان چنین می خوانیم: ما عسکران و قوماندانان، پا در رکاب و گوش به فرمان حضرت عالی هستیم و هر لحظه آماده هستیم که در سنگرهای عزت مردم خویش، جان خود را سپر نمائیم و از آرمان های مقدس خود دفاع نماییم. ما در برابر هرگونه تجاوز و در هر جایکه لازم باشد آماده هستیم از خون و جان خود مایه بگذاریم.

قرار گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی، در حالیکه مردم بامیان و طلاب حوزه عملیه رهبر شهید در مسجد جامع رهبر شهید تجمع نموده برای پیروزی مجاهدین و مردم شمال کشور در برابر زور گویی و لشکر کشی طالبان، مراسم دعا و نیایش برپا نموده بودند قوماندانان دلیر و مجاهدین مؤمن با ارسال پیام و حضور در مقر شورای مرکزی، ضمن تجدید میثاق با رهبری برای دفاع از آرمان مردم، اعلام آمادگی می کردند.

در یکی از پیام ها چنین آمده است: ما قوماندانان و

## نماینده کمیته بین المللی صلیب سرخ با رهبری حزب وحدت اسلامی ملاقات نمود

هر خانواده شامل ۲۸ کیلو برنج، ۱۸ کیلو لوبیا، ۲ قطعه صابون و ۸ کیلو روغن بوده است.

همچنین آقای ریگر با اشاره به زندانیان از رهبری حزب وحدت اسلامی درخواست نمود تا اجازه دهند که نماینده گان صلیب سرخ مجدداً از بامیان و زندانیان دیدن نموده و در صورت امکان از وجود زندانیان جنگی به خانواده هایشان اطلاع داده شود.

سپس مقام معظم رهبری حزب وحدت اسلامی از کمیته صلیب سرخ بخاطر کمک های انسان دوستانه اش به مردم نقاط مرکزی، تشکر نموده و موافقت خود را از بازدید مجدد زندانیان و رساندن خبر آنان به خانواده هایشان اظهار داشتند.

رهبری حزب وحدت اسلامی از کمیته بین المللی صلیب سرخ خواستند؛ با توجه به شرایط سخت زمستان و بسته شدن راهها، این کمیته باید به کمک هایش به مردم محروم هزارستان و مهاجرین کابل سرعت ببخشند بخصوص نیازمندی مردم جنگ زده لولنج، شیخ علی، ترکمن، و مناطق سیل زده سیغان و قل خویش را به نماینده صلیب گوشزد نمودند.

گفتنی است در این دیدار به نماینده صلیب سرخ توصیه شد تا یک تن از اسراء را بخاطر سالخورده گی و مریضی شان تحویل گرفته به خانواده شان برسانند.

روز دوشنبه هفته گذشته، نماینده صلیب سرخ جهانی با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با مقام معظم رهبری حزب، ملاقات نموده خواستار اجازه بازدید مجدد نمایندگان صلیب سرخ از اسرای جنگی در بامیان گردید.

خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان خبر می دهد؛ در این دیدار که آقای محمد علی، رئیس سره میاشت افغانی در بامیان و آقای خرسندی مسئول بخش زراعت صلیب سرخ در بامیان نیز حضور داشتند، ابتدا نماینده دائمی کمیته بین المللی صلیب سرخ در بامیان مراتب سپاس و تشکر صلیب سرخ را از حزب وحدت اسلامی، بخاطر تأمین امنیت راهها و کمک به انتقال مواد غذایی از مزار شریف به بامیان، اظهار نموده از مقام معظم رهبری درخواست کردند تا اجازه دهند که طیارات صلیب سرخ با استفاده از میدان هوایی شیر تو، مواد مورد ضرورت خود را به بامیان منتقل نمایند.

در ادامه دیدار آقای ریگر، نماینده صلیب سرخ، وضع توزیع کمک های صلیب سرخ در بامیان را تشریح نموده، اظهار داشتند: ما در طرح سال جاری خود، در سه مرحله دو هزار خانواده را در بامیان، تحت پوشش قرار داده ایم. وی در باره مقدار کمک ها برای هر خانواده گفت: کمک های اخیر ما برای

داکتر لاری گودسن:

## طالبان به تدریج پشتیبانی و حمایت های خود را بعد از حادثه مزار شریف از دست داده اند

اگر طالبان تمام افغانستان را متصرف شوند آنرا اداره نخواهند توانست و انتصابات در بین آنها بروز خواهد کرد.

اظهار داشت: رهبران عمده آنها پشتون های درانی از منطقه قندهار هستند. آنها در مدرسه ها تربیت شده اند و از جانب محافظه کاران مذهبی پاکستان و همچنان حکومت پاکستان از طریق اداره استخبارات نظامی ISI پشتیبانی می شوند و از منطقه مثل کویته مرکز بلوچستان که نزدیک سرحد قندهار واقع است، کنترل تمام شهرهای بزرگ را در افغانستان در جریان توسعه و تصرفات بدست گرفته اند.

داکتر گودسن در پاسخ به این سوال که طالبان چگونه توانستند به این موفقیت ها نائل آیند، گفت: آنها از طریق نظامی به چنین پیروزی ها دست نیافته اند. موفقیت آنها به چهار عامل بستگی داشته است: مذهب، خستگی از جنگ، پول و همکاری پاکستان. وی هر یکی از این عوامل را توضیح داده، گفت: عنصر مذهبی نقش عمده ای داشته است. زیرا تمام جناحها در افغانستان بر اساس این عقیده تشکیل یافته اند که

داکتر لاری گودسن استاد علوم سیاسی در American University در قاهره تدریس می کند. داکتر لاری گودسن از سال ۱۹۷۸ به این طرف در مسایل مربوط به افغانستان تحقیقات انجام داده و سفرهایی هم به افغانستان داشته است. وی سه ماه گذشته در افغانستان رفته و در ساحات تحت کنترل طالبان از جلال آباد، کابل، قندهار و هرات دیدن نموده و مطالعاتی را در مورد طرز اداره طالبان و موقف سیاسی و اجتماعی آنان انجام داده است. وی در هفته گذشته مصاحبه مفصل و جامعی را با رادیو دری آمریکا انجام داد که از بسیاری از واقعیت های سیاسی و اجتماعی حاکم بر گروه طالبان و مناطق تحت کنترل آنان پرده بر می دارد. جهت اطلاع خوانندگان، قسمتهای از این مصاحبه را به نشر می رسانیم.

در ابتدا داکتر لاری گودسن در مورد حلقه اصلی رهبران طالبان



## پیام استاد محمد کریم خلیلی ...

را در صفحات خویش ثبت نموده و خاطره رشادت ها و سلحشوری های شما نسل اندر نسل و سینه به سینه به آیندگان تاریخ منتقل خواهد شد.

مردم متدین شمال و شهروندان غیور مزار شریف!

هنگامیکه دروازه های شمال کشور به خاطر یک سلسله سوء تدبیرهای دوستان ما بر روی گروه طالبان گشوده شد و دنیا به این باور رسید که مسأله افغانستان به نفع یک گروه انحصارگر خاتمه یافته، شما مردم با شهامت جرقه های یک قیام با شکوه و مردمی را بر افروختید و با مقاومت مثال زدنی خویش لشکر مهاجم و بی رحم گروه نام نهاد طالبان را طعمه شعله های خشم مقدس خود گردانیدید و فصل نوین و افتخار آفرینی را در تاریخ استقلال طلبی و بیگانه ستیزی مردم افغانستان گشودید.

مردم دلاور مزار شریف و شمال کشور!

اینک بار دیگر زمان آن فرا رسیده که جواب دندان شکن و خونینی به مهاجمان جنگ افروز بدهید تا درس عبرتی باشد برای تمام جنگ طلبان و حامیان آنان.

مردم شریف شمال و جوانان پرشور مزار شریف!

متأسفانه به خاطر ضعف، تگروی و رخوتی که در امور به وجود آمده، گروه انحصارگر و جنگ طلب طالبان توانستند در بعضی از نقاط شمال کشور دست به تحرکات و پیشروی هایی بزنند، این بار نیز شما مردم غیرقند، مطمئناً در کنار مجاهدین و مدافعین دلیر، از آرمان، از شهر و از ناموس خویش دفاع خواهید کرد.

سنگرهای مقاومت و استحکامات دفاعی خویش را در اطراف شهر مزار و کوچه، کوچه، کوچه، مردخیز این شهر شریف پایدار و استوار نگهدارید و به دشمنی که ضعیف تر از همیشه است، اجازه ندهید که به کوچه های شهر غرور تان تجاوز نماید و گزرمه های وحشی این ساطور به دستان، در شهر مولا علی (ع) جولان دهند.

برادران! عنقریب سنگرداران و سرداران شما از نواحی اطراف مزار شریف و بامیان سربلند به کمک تان می آیند.

خداوند با شماست، بیرق عدالتخواهی، استقلال طلبی و بیگانه ستیزی شما مردم هرگز به زمین نمی افتد.

والسلام

محمد کریم خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان  
بامیان - ۱۸ سنبله ۱۳۷۶

## ... جنگ یا برادری

شرایطی که تقاضاهای صلح طلبی در تمام نقاط کشور اوج گرفته و آمادگی تمام اطراف برای مذاکره جرقه های امید برای پایان جنگ را روشن، این حقیقت را متباز می سازد که طالبان جز به جنگ و خونریزی و خصومت و دشمنی با مردم به هیچ مفکوره انسانی دیگر نمی اندیشند، سرنوشت طالبان با جنگ گره خورده، مثل اینکه زاده شده اند تا بجنگند.

اما باید دانست که تجربه های شکست طالبان بعد از پیروزی در کابل، این واقعیت را روشن می سازد که دیگر امکانی برای تحقق تقاضاهای تسلیم طلبانه باقی نمانده و زمینه های هر نوع سلطه برچیده شده است، مردم امروز به میدان آمده و با آگاهی از رسالت و آرمان تاریخی خویش صاحب خون و سرنوشت خود گشته اند. مردم ما به مرحله ای از آگاهی و درایت رسیده اند که دیگر نمی گذارند سرنوشت شان دستمایه رهزنان برای نابودی عدالت سیاسی و اجتماعی در کشور گردد. عدالت سیاسی و اجتماعی بزرگترین آرمان این مردم را تشکیل می دهد و تا کنون نشان داده اند که برای رسیدن به آن از هیچ نوع هدیه ای دریغ نخواهند کرد. کسانی که این واقعیت را درک نمی کنند و از پنجره های تاریک و فرسوده گذشته به حال می نگرند به صخره های برخورد و اصابت خواهند کرد که برای ابد فرسوده شوند. اگر چنین نبود، ما هیچگاه شاهد حماسه های عظیم و پرشکوه مقاومت مردمی در نقاط مختلف کشور از جبهات شیخ علی و ترکمن و شمال کابل تا مزار شریف نبودیم و شکستهای کمر شکن و خفت بار طالبان را نمی نگریستیم، وقتی که می بینیم، مردم به رغم گرسنگی ها و مصیبت های ناشی از چندین سال جنگ در برابر اقدامات سلطه جویانه، این چنین استوار کمر راست می کنند. و این چنین پر شکوه و نه می گویند، در واقع برای همه اعلام می دارند که جز پذیرش خواست و تحقق آرمان مردم که صلح، برادری، برابری، استقلال و آزادی است، هیچ راهی وجود ندارد و آنانیکه در اندیشه سلطه سیاسی بر مردم به سر می برند نا بخردانه خود را در برابر اراده ای قرار می دهند که بزرگترین غول نظامی دنیا را به زانو در آورد.

بهر صورت جنگ به بن بست رسیده، دست بالای نظامی و تاکتیک های اشغال کننده دیگر ضمانتی برای تحقق سلطه سیاسی محسوب نمی گردد. از این جهت به نفع طالبان خواهد بود که در استراتژی جنگی شان تجدید نظر نموده و راه مذاکره را در پیش بگیرند. در غیر آن صورت در آتش قهر و خشم مردم ذوب شده و در ورطه مرگ و نابودی سقوط خواهند کرد.

حزب وحدت اسلامی در عین حال که از سیاست جنگی طالبان متحمل خسارات سنگینی شده، بازهم دست دوستی و برادری به سوی طالبان می گشاید و از آنان دعوت به عمل می آورد که از سیاست های جنگ طلبانه دست کشیده و موضع آشتی و برادری را در پیش بگیرد. این گرایش و سیاست، نه از موضع ضعف که بخاطر احترام و اعتقاد به سرنوشت مشترک ملی است، سرنوشتی که جز با تفاهم همه اطراف قضیه افغانستان، ابرام نمی یابد.

«امروز ما»

## قول اردوی حزب وحدت اسلامی، خاطره شهدای سی ام اسد را تجلیل نمودند

سخنران بعدی، حجة الاسلام والمسلمین سید غلام حسین موسوی بود که پس از اجرای سرود زیبایی توسط گروه سرود حوزه علمیه رهبر شهید، به ایراد سخن پرداخت، وی در سخنان خود، کار و زندگی پربار این سه شهید والامقام را با معیارهای مکتبی ارزیابی نموده، اظهار داشت: این شهدا در خط پاسداری از مکتب توحید و ایجاد عدالت اجتماعی و سیاسی در کشور، وظایف ملی و مکتبی خود را بدوش کشیدند. و از آرمانهای مردم هزارستان در چوکات حزب وحدت اسلامی که بیان کننده این آرمانها و آرزوهاست، دفاع می کردند.

آقای موسوی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: هزاره ها بعنوان رنجیده ترین مردم در طول تاریخ، حماسه های بیاد ماندنی آفریده اند و مقاومت های دلیرمردان این قوم در برابر طالبان در دوره شیخ علی، ترکمن و میدان، سرنوشت سیاسی و نظامی کل کشور را دگرگون ساخت. بنابراین هیچ کس، تحت هیچ عنوانی نمی تواند، این مردم را نادیده انگارد.

گزارش علاوه می دارد که آخرین سخنران محفل استاد واعظی شهرستانی بود که جلسه را با ذکر مصیبت خاندان پیامبر به پایان برد. آقای واعظی با اشاره به فداکاری های این شهدایان در لحظات حساس و دشوار اظهار داشت: آنان کسانی بودند که ساده زیستند و از تجمل گرایی و دنیا زده گی دوری نمودند. همچون پایین ترین قشر جامعه، بار مشکلات را بر دوش خود حمل می نمودند.

آقای واعظی، خاتم محفل بوده و با ذکر مصیبت و دعائیه برای شهدا و اعاده صلح و امنیت در کشور به محفل پایان بخشید.

قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۶/۶/۱۳، مراسم با شکوه تجلیل از مقام شهدای سانحه هوایی بامیان، پروژه شهدای پاکباز، حجة الاسلام والمسلمین سجادی، دگر جنرال هاشمی و وکیل مقصودی، از سوی کادر رهبری قول اردوی حزب وحدت اسلامی در مسجد جامع رهبر شهید، در بامیان باستان برگزار گردید.

در این مراسم که با حضور مقام معظم رهبری، معاونت شورای مرکزی، اعضای شورای مرکزی، جنرالان، قوماندانان، اساتید و محصلین دانشگاه بامیان، اعضای کمیته امور زنان، اساتید و طلاب حوزه علمیه رهبر شهید، مسئولین و پرسونل کمیته های حزبی و خیریه برگزار شده بود، مردم شریف و همیشه در صحنه بامیان از دور و نزدیک، شرکت عظیم و گسترده نموده بودند.

خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان باستان گزارش می دهد: مراسم، با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز و با قرائت زندگینامه، قوماندان عمومی قول اردو، شهید جنرال هاشمی ادامه یافت. و پس از آن گروه سرود هزاره، قطعه سرود زیبایی را در رثای شهدا اجرا نمودند.

قرار گزارش، اولین سخنران محفل، سید اعلا رحمتی، رئیس ارکان قول اردوی حزب وحدت بود. وی در سخنرانی خود به تشریح زندگی این شهدای بزرگوار پرداخته گفت: این سه تن شهید از بهترین فرزندان مردم ما بشمار می رفتند. آنان با تمام توان علمی و فکری و صداقت شان در کنار مردم بودند و برای مردم می طپیدند. شهادت آنها برای حزب وحدت اسلامی و مردم افغانستان، ضایعه جبران ناپذیر می باشد.

## جنايات تكاندهنده طالبان ...

روی ماشه است، قربانیان خود را در لحظه دست و پا زدن در میان خاک و خون تماشای نمی کنند، و چه بسا که نگاه قاتل از منظره دلخراش قربانی اش فرو شکند و چشمان او برهم گذاشته شود اما آن کسیکه کارد در دست می گیرد و قربانی اش را در زیر دیت هایش می خواباند، آنگاه که تیغ بر حلقوم او می کشد، تمام منظره جنایتش را تماشاکر است. این است آن منظره ای که ملائک آسمان را به ناله آورد و بر خلقت آدمیان در زمین به اعتراض واداشت؛ چرا موجودی را خلق می کنی که سیل خون در زمین جاری می سازد!

برادر و خواهر افغان! آنهايیکه قربانی شدند، رفتند. من و تویی که زنده هستیم، با این روحهای وحشی و پلید چگونه بسر بریم؟ هستند سیاست هایی که تلاش می ورزند تا این روحها را بر من و تو حاکم سازند. خوب دقیق بخوان که حاکمیت این روحهای وحشی و بی رحم بر سرنوشت جامعه من و تو، چه عاقبتی را نصیب من و تو خواهد کرد.

منادی جنایت اینگونه به صحنه می آید: از روز سه شنبه هفته گذشته، وقتی نیروهای طالبان از تاشقرغان گذشته، خود را به شرق میدان هوایی مزار شریف نزدیک ساختند، با تسلط بر مناطق تصدی، قریه قل محمد و قزل آباد، شروع می کنند به چور وچپاول و کشتار بی رحمانه زنان و اطفال و پیرمردان. در قریه قزل آباد، ۷۰ نفر را سر می برند، ۲۰ نفر را در تصدی و ۴۰ نفر را در قریه قل محمد تیر باران می کنند. تمامی این قربانیان مردم بی دفاع بوده و آنانیکه با سلاحهای شان اسیر شده اند، همه بدست طالبان به شهادت رسیده اند.

وقتی به گفته امیر خان متقی یکی از نطقان طالبان (که با رادیوی بی بی سی مصاحبه میکرد و در جواب سوال خبرنگار بی بی سی که آیا شما میتوانید در مزار شریف تسلط پیدا نمائید؟ حالانکه در سه ماه پیش با نیروی به مراتب بیشتر ازین شکست خوردید، پاسخ داد که در دفعه گذشته ما را دعوت کرده بودند و ما آمادگی نداشتیم، ولی این بار با نابودی کامل مخالفین خود وارد شهر میشویم) دقیق میشویم و این جنایات هولناک را در کنار گفته او قرار میدهم، بخوبی درک می کنیم که منظور امیر خان متقی چه بوده و اگر طالبان وارد شهر مزار شریف میشدند چه میکردند؟!

## جنرال عبدالرشید دوستم ...

گزارش از مزار شریف حاکمیت، جنرال

دوستم که در روزهای قبل به بندر حیرتان رسیده بود، بعد از ظهر روز جمعه با یکپال هلیکوپتر به میدان هوایی شهر مزار شریف منتقل و از آنجا به قلعه جنگی عزیت نمود. جنرال دوستم فردای آن روز به شهر مزار شریف رفته، با اقامت در منزل مسکونی خود، مصروف دید و بازدید با مردم مزار شریف گردید.

طبق این گزارش، جنرال دوستم دوبار به روضه حضرت علی (ع) رفته و در مرتبه دوم در حضور جمعیت عظیمی سخنرانی نمود. جنرال دوستم در این سخنرانی اظهار داشت، من برای این نیامدم که رهبری جنبش را بدست بگیرم، این مردمند که رهبر جنبش را انتخاب خواهند کرد. مردم حق دارند که هر کسی را بر رهبری جنبش انتخاب نمایند.

گزارش علاوه می دارد، هنوز رابطه جنرال دوستم و جنرال ملک، رهبر جنبش ملی اسلامی، با هم حسنه نیست و حزب وحدت اسلامی تلاش دارد تا رابطه آنها را عادی نموده، تفاهمی بین آنان برقرار نماید. کمیسیون در زمینه ماموریت یافته، این کمیسیون با دو طرف قضیه مذاکره خواهد کرد. امیدواری زیادی وجود دارد که این تفاهم بین جنرال دوستم و جنرال ملک بوجود آید. آنچه که اهمیت دارد این است که هر دو جناح جنبش خواهان مقابله با سیاست جنگ طلبانه طالبان و همکاری نزدیک با جبهه متحد ملی اسلامی نجات افغانستان می باشند.



## جمعی از قوماندانان تاله و برفک با نیروهای تحت امر خود به حزب وحدت اسلامی پیوستند

روز چهارشنبه ۱۳۷۶/۶/۱۳ جمعی از قوماندانان تاله و برفک بشمول قوماندان سیاهی، قوماندان عبدالخالق، قوماندان عبدالعزیز، قوماندان اسدی و قوماندان موحد شیره با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی در بامیان با مقام معظم رهبری ملاقات نموده، وفاداری خود را به حزب وحدت اسلامی اعلام کردند.

خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان باستان گزارش می دهد، در این دیدار، قوماندانان حاضر به نمایندگی از مردم قریه دولت بیک و تاله و برفک با مقام رهبری صحبت نموده، اطاعت کامل و حمایت همه جانبه نیروهای تحت امر خود و نیز مردم تاله و برفک را از سیاست های حزب وحدت اسلامی، تعهد سپردند.

قرار گزارش، این قوماندانان به رهبری حزب وحدت اسلامی، اطمینان دادند که آنها مطیع هدایات رهبری و تصامیم شورای مرکزی می باشند و در هر جایکه لازم باشد، آماده خدمت و جانفشانی در راه تحقق آرمانهای برحق حزب می باشند.

گزارش حاکمیت، پس از ارائه گزارش مفصل از وضعیت منطقه تاله و برفک توسط یکی از قوماندانان، استاد خلیلی ضمن تقدیر از اقدامات دقیق و سنجیده آنان از مردم تاله و برفک خواست تا در جهت تأمین امنیت مراکز و راهها سعی و جدیت بیشتر نموده و نگذارند که عناصر مغرض و ناآگاه، با اخلاص گری و فتنه جویی همبستگی طبیعی مردم تاله و برفک را با حزب وحدت، متزلزل سازند.

## پیام تبریکیه مقام معظم رهبری به مناسبت پاکسازی مزار شریف و شکست قطعی گروه طالبان.

بسم الله الرحمن الرحيم  
ان الله يدافع عن الذين آمنوا ... «قرآن کریم»  
سلام بر شهیدان در خون طپیده میهن، این پاسداران جاودانه، سنگرهای سربلند راه آزادی، سلام بر روح شهدای خونین کفن مقاومت های مزار شریف، بخصوص شهیدان مظلوم و سلحشور قزل آباد مزار، سلام بر جوانان مؤمن و پرشوری که با گذشت از سر و جان خویش و با انتخاب شهادت، مرگ شرافتمندانه و خونین را بر اسارت سیاه بدست لشکر شرّ ترجیح داده و پرچم آزادی را بر فراز سنگرهای آگاهی و آرمان خود در اهتزاز درآوردند. سلام بر شیرزنان میهن که در دامن پاک آنان جوانان غیرتمند و نترس تربیت یافت تا از سنگ سنگ این سرزمین و وجب وجب این میهن پرافتخار حراست نمایند.

مستولین محترم، مجاهدین عزیز و مردم غیور شمال و شهر مزار شریف! شما با استقامت و پایداری جانانه، خویش در برابر لشکر مهاجم و آدم کشان طالب غافل دیگر از حریم مقدس شهر شریف خویش دفاع کردید و با هر فیر گلوله خود به صف نیروی تجاوزگر طالب غافل فریاد بیگانه ستیزی و عدالت خواهی خویش را در فضای این کشور طنین انداز نمودید.

شاید پیام پایداری شما مردم به گوش حامیان خارجی این گروه اسلام شعارو مسلمان کش نیز به وضاحت تمام رسیده باشد که دیگر دوران انحصار گرایی و ظلم در افغانستان به سر آمده و مردم افغانستان فقط به عدالت و مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت خویش تن میدهند.

جوانان دلدار شهر شاه اولیا! من به نمایندگی از تمام اعضای حزب وحدت و مردم قهرمان هزارستان اسلامی به خاطر رشادت و فداکاری تان، بازوان نیرومند شما را می بوسم و از خداوند می خواهم که قلب های تانرا بیش از پیش مالا مال از عشق به میهن و مردم آن گرداند، گام های پر صلابت تان را استوار تر از همیشه بدارد و دست والای تانرا در سنگرهای دفاع مقدس هرگز نلرزد.

۱- پیروزی های شما یقیناً مثل گذشته با امدادهای الهی نصیب ملت افغانستان شده و لذا خداوند را همیشه به یاد داشته باشید. او بالاترین قدرت ها ست، خداوند شما را شایسته بهترین و والاترین پیروزی ها بگرداند.

۲- از هرگونه سخن و حرکت اختلاف افکنانه و مشکوک جلوگیری نمائید و وحدت و انسجام خویش را بیش از پیش استوار سازید.

۳- به دشمن شکست خورده، تان که دشمن استقلال و تمامیت ارضی کشور است فرصت اکمالات و تجدید قوا را ندهید و تا لحظه های نابودی و اضمحلال، آنان را تعقیب نمائید.

۴- در قسمت تأمین امنیت شهر تان و شهروندان عزیز تان بکوشید و جلو استفاده جویان و آشوب گران و اخلاص گران نظم و امنیت را با قاطعیت و جدیت بگیریید.

به امید توفیق و سربلندی هر چه پیشتر شما والسلام علیکم ورحمة الله  
محمد کریم خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان - بامیان  
۱۳۷۶-۶-۲۱

## تهاجم طالبان بر مزار شریف ...

و مجاهدین و مردم هزاره جات اعلام آمادگی کردند که حاضرند در هر حال افغانستان، در جهت اجرای اوامر رهبری، جانفشانی نمایند. پس از سه روز حملات وحشیانه زمینی و هوایی بالای مناطق مسکونی شهر مزار شریف و اطراف آن، و مدافعه قهرمانانه نیروهای حزب وحدت اسلامی سرانجام در صبحگاه روز جمعه، با نوشیدن شرنگ تلخ شکست مرگبار با بجا گذاشتن صدها کشته و صدها عراده و وسایط نقلیه و جنگی، بسوی شهر تاشقرغان فرار نمودند.

طی سه روز، شهر مزار شریف در التهاب شدیدی بسر می برد، جنگ بی رحمانه ای در شرق این شهر، فرزندان افغان را بخاک و خون می کشید. بیش از چهار صد نفر از نیروهای طالبان در این نبرد کشته و زخمی گردیدند و در مقابل نیروهای وحشی طالبان تقریباً دو صد نفر از مردم بی دفاع شهر و اطراف آن را با حملات هوایی، راکتی و بریدن سر، به شهادت رساندند.

قرار گزارش واصله از شهر مزار شریف، در طی این سه روز جنگ خونین که مستولین و نیروهای امنیتی همه مصروف دفاع از شهر بودند، باندهای سارق و غارتگر با سز استفاده از شرایط جنگی دست به غارتگری، مؤسسات و اموال دفاتر سازمان خیریه بین المللی زده که

حملات در محور شرق میدان هوایی در ساعت ۲/۵ شب آغاز و تا ساعت ۱ روز جمعه به تصفیه کلیه مناطق شرق میدان هوایی تا دوراهی بندر حیرتان منجر شد.

گزارش علاوه می دارد؛ در این عملیات تصفیوی، تعداد ۲۰ چپن تانک، دهها عراده ماشین محاربوی و موتر هایلکس، تعداد زیادی موشک های زمین به هوای بلر پایب، انواع مختلف مهمات، سلاحهای ضد هوایی زیو و زیکیوک، صدها میل کلاشکوف به غنیمت نیروهای حزب وحدت اسلامی درآمد. و طالبان با فرار از منطقه بیش از دوصد جنازه خود را بجا گذاشته، تا دوراهی بندر حیرتان عقب نشینی کردند. گزارش های روز شنبه این هفته حاکمیت، در ادامه عملیات تصفیوی، هم اکنون نیروهای طالبان از دوراهی حیرتان عقب نشینی نموده و جنگ در غند والگا بشدت ادامه دارد.

طبق این گزارش، هم اکنون نیروهای طالبان از دو سوی مزار شریف و شهر تاشقرغان، در محاصره قرار گرفته، تمامی راههای خروجی بر آنها مسدود گردیده است. جنگی که در روز چهارشنبه هفته گذشته توسط نیروهای قوماندان احمد خان و همکاری مردم تاشقرغان شروع شده بود، هم اکنون نیز دوام داشته، سقوط شهر تاشقرغان در آینده نزدیک پیش بینی می گردد. گفتنی است که با سقوط شهر تاشقرغان، طالبان شکست دیگری را شبیه شکست سه ماه قبل در مزار شریف متحمل خواهد شد. بر همین اساس بسیاری از صاحب نظران نظامی را عقیده بر این است که مشورت های انجام شده به ارتباط تهاجم طالبان به مزار شریف، مشورت برای انتحار بوده. چه اینکه آنچه را که طالبان انجام دادند با معیارهای نظامی سازگاری ندارد.

ازین جهت حدس و گمانهای وجود دارد آن دسته هائیکه طالبان را به این عمل واداشت در واقع شکستن ماشین جنگی طالبان را در نظر داشتند همانگونه که سه ماه پیش این کار را کردند.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

امروز ما

زیر نظر شورای نویسندگان

UNIVERSITY TOWN P.O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

شماره تلفن: ۴۳۵۶۸

قیمت يك شماره: ۳ روپيه یا معادل آن

